

رابطه هوش معنوی و باورهای دینی در دانشجو معلمان پردیس شهید بهشتی بندرعباس^۱

عبدالله حسینی^۲

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان هرمزگان

چکیده

هدف پژوهش رابطه هوش معنوی و مولفه‌های آن با باورهای دینی بوده است، روش تحقیق توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی بوده است، جامعه آماری کلیه دانشجو معلمان پردیس شهید بهشتی بندرعباس می باشد که شامل ۴۰۰ نفر دانشجو معلم پسر می باشد و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و ۱۹۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند، برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه الف) پرسشنامه هوش معنوی بدیع، سواری، دشت بزرگ و لطیفی (۱۳۸۹) که دارای ۴۲ گویه بوده است. پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بوده است. ب. پرسشنامه عمل به باورهای دینی (مقیاس معبد) این آزمون توسط نجفی (۱۳۸۵)، که دارای ۲۵ پرسش است. پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بوده است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که به هوش معنوی و مولفه‌های آن با باورهای دینی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشته است. مقدار همبستگی به دست آمده برای هوش معنوی (کل) برابر $r = .49$ است که در سطح $P < .001$ معنادار شد. همچنین مقادیر همبستگی بین بعد اعتقادی $r = .38$ ، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات $r = .44$ ، پرداختن به سجایای اخلاقی $r = .21$ و خود آگاهی و عشق و علاقه $r = .43$ می باشند که در سطح $P < .001$ معنادار شدند.

کلیدواژه ها: هوش معنوی، باورهای دینی، دانشجو معلمان، دانشگاه فرهنگیان.

۱. مقدمه

باورهای دینی مجموعه رفتارها، باورها و نگرش‌های مرتبط با اصول دین، فروع دین، و دیگر حیطه‌های مرتبط با مذهب است. مذهب به مجموعه‌ای از جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌هایی اطلاق می‌شود که تلقین آن‌ها می‌تواند شیوه زندگی فرد را تعیین کند. باورهای دینی به معنای خاص همیشه باورهای مشترک جماعت معینی هستند که از گرویدن به آن باورها و عمل کردن به مناسک همراه با آن‌ها به خود می‌بالند. این باورها نه به عنوان امری فردی که همه اعضای جماعت آن را پذیرفته‌اند، بلکه در حکم امری متعلق به تمامیت گروه تلقی می‌شوند و جزیی از وحدت گروه را تشکیل می‌دهند (تنهایی و خرمی، ۱۳۹۴).

مذهب نیز یک میانجی است که بر فرآیند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره زندگی تأثیر می‌گذارد (هادیان فرد، ۱۳۸۴). هم چنین اسپیلکا و همکاران (۱۹۸۵)، تعریف مشابهی از باورهای دینی ارائه داده است که به صورت زیر است. دین نظامی مرجع برای تفسیر وقایع زندگی می‌باشد که افراد از آن برای فهم مسائل جهانی، پیش بینی و مهار وقایع و حفظ عزت نفس خود استفاده می‌کنند (خداپناهی و خوانین زاده، ۱۳۸۹).

هنگامی که سخن از تربیت اسلامی و اشاعه باورهای دینی در آموزش و پرورش به میان می‌آید، غالباً ذهن‌ها متوجه نموده‌ها و نمادهایی در رفتار دانش‌آموزان می‌شود که تنها می‌تواند علاقه و توجه آنان را به مراسم و مناسک دینی و آداب و رفتار اخلاقی (به معنی خاص آن) نشان دهد. از این رو، شاخص‌های تربیت دینی، به اموری از قبیل (میزان پایبندی به حضور در نماز جماعت مدرسه، میزان توجه به حفظ حجاب، میزان التزام به رعایت ظواهر شرعی و...) منحصر می‌شود و حداکثر این است که شاخص‌های اخلاقی از قبیل راستگویی، احترام به والدین، امانتداری و... هم به امور فوق‌افزوده می‌شود و توفیق یا عدم توفیق تربیت دینی، با این شاخص‌ها سنجیده و ارزیابی گردد. چنین نگاهی به تربیت دینی، از سویی برخاسته از مبانی معرفت‌شناختی لیبرالیسم و نگرش غرب جدید به نهاد دین در مصداق مسیحیت مسموخ و منسوخ است که همراه با امواج فرهنگ و دانش غرب به کشور ما وارد شده و احیاناً به عنوان اصول مسلم علمی مقبولیت یافته است و از سوی دیگر بر معارف و فرهنگ دینی معیوب ناقص، تحریف شده و متحیرانه از اسلام متکی است که در طول قرن‌های گذشته، در ذهنیت عمومی جامعه ما رسوخ کرده و هنوز رسوب‌های آن باقی مانده است. البته این نگاه به تربیت دینی، میوه تلخ نگرشی است که دین را مقوله‌ای شخصی و فرعی در زندگی بشر می‌داند و نقش زیربنایی و جامع آن را در عرصه‌های گوناگون حیات انسانی و تکاملی نوع بشر انکار می‌کند؛ لذا بین دین و علم، دین و سیاست، دین و دنیا، دین و عقل و... تعارض می‌بیند و هر کدام از این مقوله‌ها را بیگانه و یا حتی متعارض با دین می‌شمارد (خطیب زنجانی و فرج‌اللهی، ۱۳۹۱). نتیجه این نگرش، فروگاهی نقش دین در نظام آموزشی است، تا حدی که تربیت دینی را در ردیف و هم‌عرض تربیت بدنی، تربیت اجتماعی و تربیت علمی در نظر گرفته‌اند. حتی اکتفا کردن به صرف آموزش مسائل دینی و زنگ درس دینی برای ساختن نسلی معتقد به اصول اسلامی کافی نیست، این اعتقادات و باورها باید در لحظه لحظه حضور شاگردان در مدرسه در کنار درس‌ها به آن‌ها آموخته شود، تا این ارزش‌ها در وجود آن‌ها نهادینه شود. همه انسان‌ها به خصوص در دوران کودکی فطرتاً به نیکی و زیبایی تمایل دارند، لذا باید فطرت پاک آن‌ها شناخته شود و با ظرافت و حوصله جلوه‌های ذاتی و طبیعی در آن‌ها آشکار شود، در این صورت است که به تربیت دینی دست یافته‌ایم. لذا آموزش عشق، محبت و عبادت به کودک لازم نیست، این ارزش‌ها در وجود او هست، باید حفظ گردد و پرورش یابد. پس جهت تربیت دینی در کودکان به خصوص باید در مسیر زیبایی‌شناسی، ارزش‌پذیری، خویش‌شناسی، حرمت‌شناسی، حرمت‌گذاری، عزت‌طلبی و نوع دوستی و پذیرش مسئولیت‌های دینی و عمل صالح باشد. البته این حرکت بدون برانگیختن احساس دینی و تبلور نگرش‌ها و تحصیل تجارب دلنشین دینی میسر نیست. اگر معلم بخواهد

ذهن بچه ها را با مفاهیم دینی پرکند نتیجه نمی دهد. به جای انبوه سازی دینی باید درصدد ایجاد بصیرت دینی باشیم. هدف اصلی در تربیت دینی به خاطر سپاری اصطلاحات و ... نیست، بلکه پیدایش تغییرات اساسی در احساس، ارزش نگری و تقویت باورهای دانش آموزان در مورد خود، دیگران، پدیده ها، لطف و رحمت خدا و نظم جهان و... تا بتواند نحوه رفتار خود را با خود و با جهان تنظیم کند. در راستای اشاعه و تقویت باورهای دینی عواملی دخیل هستند که یکی از آن عوامل هوش معنوی میوهوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی است که افراد برای به کار بردن، شکل دادن و در برگرفتن منابع معنوی به ارزش‌ها و کیفیت‌ها به روشی که به عملکرد خوب روزانه و بهزیستی روانی دست یابند، به کار می‌برند که شامل پنج حوزه: هوشیاری، لطف حق، معنا، برتری و حقیقت است. (امر و دریر، ۱، ۲۰۰۷). هوش معنوی باعث می‌شود که انسان با ملایمت، عطفوت بیشتری به مشکلات نگاه کند و تلاش مضاعف در جهت یافتنی راه حلی داشته باشد و سختی‌های زندگی را بیشتر تحمل نماید و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد. هوش معنوی توانایی عمل همراه با آگاهی و ترمیم، در عین حال حفظ سلامت و آرامش درونی و بیرونی، صرف نظر از شرایط است. در واقع هوش معنوی یک هوش ذاتی انسانی است و همانند هر هوش دیگر می‌تواند رشد کند و این بدان معنی است که می‌توان آن را توصیف و اندازه‌گیری کرد (خدایاری، فقیهی، غباری بناب، شکوهی یکتا، رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۱) هوش معنوی ابعاد و مولفه های گوناگونی دارد از دیدگاه بدیع و همکاران (۱۳۸۹) مولفه‌های تفکر کلی و اعتقاد افراد؛ توانایی مقابله و تعامل با مشکلات؛ سجایای اخلاقی افراد؛ خودآگاهی و عشق و علاقه افراد.

الیسون^۲ و همکاران (۲۰۰۱)، در یافته هایشان به این نتیجه دست یافتند که رفتن به کلیسا با احساس بهزیستی رابطه مثبت، و با درماندگی رابطه منفی دارد. ضمناً حمایت اجتماعی ناشی از حضور در کلیسا میزان پریشانی فرد را کاهش داده و تأثیرات ناشی از تنیدگی های وی را محدود می‌کند. الیسون (۱۹۹۱)، نیز دریافت که فعالیت های دینی فردی، مانند دعا کردن و قرائت کتاب مقدس با آرامش بیشتر افراد همراه است (رجایی و همکاران، ۱۳۹۲).

پناهی (۱۳۹۴)، در پژوهشی نشان داد که بین تقید به نماز و سطح اضطراب دانش آموزان، رابطه معنادار وجود دارد و هرچه تقید دانش آموزان به نماز بیشتر باشد، از آرامش روانی بیشتری برخوردار هستند. هم چنین مداحی و جواهری (۱۳۸۸)، به بررسی و مقایسه سلامت عمومی در بین دو گروه جوانان حافظ قرآن کریم و غیرحافظ پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که حافظان قرآن نسبت به جوانان غیرحافظ در کل از سطح سلامت عمومی بالاتری برخوردارند. همچنین نتیجه پژوهش های بسیاری حاکی از وجود تأثیر مثبت باورهای دینی و سلامت روانی است، پیچن و همکاران (۲۰۰۷) ۳، و ساروگلو^۴ (۲۰۰۶)، نشان داده اند که در بین دین های مختلف از جمله اسلام، باورها و اعمال دینی با نگرش های اجتماعی (همدلی، نگرانی درباره دیگران، علاقمندی برای یاری به دیگران) مرتبط می باشد. همچنین دلیل احتمالی نقش مستحبات در مشارکت و شکوفایی اجتماعی ناشی از احساس مسئولیتی است که در اثر باورهای دینی و عمل به این باورهای دینی به وجود می آید. افراد مذهبی، نگران اوضاع اجتماع بوده و در جهت بهتر شدن آن قدم بر می دارند. افراد سالم از نظر روانی، پیرامون مسایل مربوط به شرایط اجتماع و آینده آن، دیدگاه امیدوارانه دارند، در حالی که افراد ناسالم، در مورد این مسایل نا امید می باشند (کیزی، ۲۰۰۵).

^۱ Amram & Dryer

^۲ -Ellison

^۳ -Pichon, Boccato, & Saroglou

^۴ -Saroglou

ادواردز (۲۰۰۳ به نقل از رحمانی ۱۳۹۱) مطرح می کند، با هوش بودن از لحاظ معنوی و آگاه بودن با برخورداری دانش در مورد هوش معنوی متفاوت است، به نوعی تمایز بین دانش نظری و عملی می باشد. پس شاید بتوان گفت که تمامی افرادی که به نوعی دیندار هستند به لحاظ هوش معنوی ممکن است در سطح بالایی نباشند که شاید چیزی شبیه به جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی الپورت است. از میان تحقیقات داخلی و خارجی ارتباط هوش معنوی و دینداری بیشتر جنبه ی نظری داشته است. در پژوهشی که چابکی نژاد (۱۳۸۹) در بین دانشجویان دختر الزهراء با هدف بررسی رابطه ی هوش معنوی با نگرش مذهبی انجام داد به این نتیجه رسید که بین هوش معنوی و نگرش مذهبی رابطه ی معناداری وجود دارد بدین معنا که افراد برخوردار از هوش معنوی بالا با عقاید دینی رابطه دارد و همچنین این ارتباط در تحقیقات عابدینی و دستجردی (۱۳۹۳) رحمانی (۱۳۹۰) برجعلی (۱۳۹۰) دیده می شود. اینچ (۲۰۱۲ به نقل از رحمانی ۱۳۹۱) معتقد است که در قلب هر دین و مذهبی هوش معنوی وجود دارد، زیرا مذهب به خودآگاهی، هوشیاری عمیق معنا دادن به زندگی و حوادث آن و حتی مرگ کمک می کند، معنویت و مذهب می تواند پیش بینی کننده امید باشد و بر مسئولیت پذیری تأثیر گذارد و باعث می شود تا افراد به زندگی خود معنا داده و به آینده خود امیدوار باشند و حس همدلی و مسئولیت پذیری و تلاش برای پیشرفت در آنان تقویت شود (نقل از رحمانی ۱۳۹۱) با توجه به مباحث بیان شده محقق درصدد است تا رابطه هوش معنوی و باورهای دینی را مورد بررسی قرار دهد. رجایی (۱۳۹۱) سعی کرده است مولفه های هوش معنوی را با متون اسلامی، عرفانی و ادبی مطابقت دهد و نتیجه گرفته است خودکنترلی که در محور و قلب تقوی و پرهیزگاری قرار گرفته است.

خوش طینت (۲۰۱۲) معتقد است سبک های مقابله ای مذهبی، تنها ویژگی مشترک در معنویت، مذهب و هوش معنوی است.

کلارک (۲۰۰۴) نیز رابطه هوش، دینداری و معنویت در دانشگاه را بررسی کرده و رابطه مثبت و معناداری بین معنویت و انجام دعا و نیایش های مذهبی و خواندن متون مذهبی گزارش کرده است.

۱.۱. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی ولی از نظر نحوه گردآوری داده ها توصیفی - پیمایشی از نوع همبستگی بوده است، جامعه آماری کلیه دانشجویان معلمان پردیس شهید بهشتی بندرعباس جامعه آماری کلیه دانشجویان معلمان پردیس شهید بهشتی بندرعباس می باشد که شامل ۴۰۰ نفر دانشجوی معلم پسر می باشد و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد با استناد به جدول مورگان ۱۹۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = n = \frac{400(1.96)^2(0.5)(0.5)}{400(0.5)^2 + (1.96)^2(0.5)(0.5)} = 196$$

n=

برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه

الف) پرسشنامه هوش معنوی بدیع، سواری، دشت بزرگ و لطیفی (۱۳۸۹):

این پرسشنامه شامل ۴۲ گویه است. که برای هر گویه ۵ پاسخ از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم در نظر گرفته شده است. که چهار مولفه را در بر می‌گیرد، این چهار مولفه عبارتند از: ۱- تفکر کلی و اعتقاد افراد (سوالات ۱-۱۲)؛ ۲- توانایی مقابله و تعامل با مشکلات (سوالات ۱۳-۲۶)؛ ۳- سجایای اخلاقی افراد (سوالات ۲۷-۳۵)؛ ۴- خودآگاهی و عشق و علاقه افراد (سوالات ۳۶-۴۲). در این پرسشنامه به منظور پاسخ‌دهی از طیف لیکرت شده است و به ترتیب برای گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم ضرایب ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ در نظر گرفته شده است. پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بوده است.

ب. پرسشنامه عمل به باورهای دینی (مقیاس معبد)

این آزمون توسط نجفی (۱۳۸۵)، و برای سنجش عمل به باورهای دینی تهیه شده است که دارای ۲۵ پرسش است که عمل (نه اعتقاد و نگرش) به باورهای اسلامی را می‌سنجد. مواد آزمون در چهار حوزه عمل به واجبات، مستحبات، فعالیت‌های مذهبی، و مداخله دادن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های زندگی قرار دارد. پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بوده است.

۱.۲. بررسی فرضیه تحقیق

در این تحقیق ۱۹۶ دانشجو معلم پسر شرکت داشتند که از این تعداد

بررسی نرمال بودن

آزمون کولموگروف-اسمیرونف یک آزمون ناپارامتری ساده برای تعیین همگونی اطلاعات تجربی باتوزیع‌های آماری منتخب می‌باشد. در آزمون K-S دو طرفه که بر روی میانگین داده‌های حاصل از پرسشنامه مربوط به هر یک از عوامل تحقیق صورت گرفته، فرضیه نرمال بودن توزیع میانگین عوامل (به عنوان فرض صفر) در مقابل عدم تطابق توزیع این میانگین‌ها با توزیع نرمال (به عنوان فرض مقابل) خلاصه نتایج که با استفاده از نرم افزار محاسبات آماری SPSS۲۳ بدست آمده به صورت جدول زیر می‌باشد.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرونف

متغیرها	کولموگروف-اسمیرونف Z	sig	وضعیت نرمال بودن
مولفه اول (تفکر کلی و بعد اعتقادی)	۱/۴۳۶	۰/۰۷۰	نرمال *
مولفه دوم (توانایی مقابله و تعامل با مشکلات)	۱/۲۳۲	۰/۱۳۸	نرمال *
مولفه سوم (پرداختن به سجایای اخلاقی)	۱/۰۰۲	۰/۴۰۸	نرمال *
مولفه چهارم (خود آگاهی و عشق و علاقه)	۱/۳۴۶	۰/۱۷۹	نرمال *
هوش معنوی	۱/۱۳۷	۰/۰۶۹	نرمال *

باورهای دینی	۱/۳۵۶	۰/۰۶۸	نرمال *
--------------	-------	-------	---------

با توجه به اینکه یکی از پیش فرض‌های آزمون کولموگروف-اسمیرنوف فرض نرمال است. تمام سطح معنی داری حاصل در جدول فوق از ۰/۰۵ بزرگتر می باشد و این نشان دهنده این است که فرض نرمال بودن داده ها رد نشده است و بنابراین داده‌ها نرمال می‌باشند.

فرضیه تحقیق: بین هوش معنوی و مولفه های آن با باورهای دینی رابطه وجود دارد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی بین هوش معنوی و باورهای دینی

باورهای دینی		متغیرها
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۴۹	کل مقیاس هوش معنوی
۰/۰۰۱	۰/۳۸	مولفه اول (تفکر کلی و بعد اعتقادی)
۰/۰۰۱	۰/۴۴	مولفه دوم (توانایی مقابله و تعامل با مشکلات)
۰/۰۰۱	۰/۲۱	مولفه سوم (پرداختن به سجایای اخلاقی)
۰/۰۰۱	۰/۴۳	مولفه چهارم (خود آگاهی و عشق و علاقه)

جدول ۱. نتایج همبستگی بین هوش معنوی و باورهای دینی دانشجومعلمان پردیس شهید بهشتی را نشان داد. همان طور که ملاحظه شد مقدار همبستگی به دست آمده برای هوش معنوی (کل) برابر ($r=0.49$) می باشد که در سطح $P<0.001$ معنادار شد. همچنین مقادیر همبستگی بین بعد اعتقادی ($r=0.38$)، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات ($r=0.44$)، پرداختن به سجایای اخلاقی ($r=0.21$) و خود آگاهی و عشق و علاقه ($r=0.43$) می باشند که در سطح $P<0.001$ معنادار شدند. نکته مهم این که کلیه مولفه های هوش معنوی با باورهای دینی دانشجومعلمان رابطه مثبت نشان داد بدین معنا که هر چه هوش معنوی بالاتر باشد، باورهای دینی بهتر و مثبت تر خواهد بود.

۲. بحث و نتیجه گیری

نتیجه این تحقیق نشان داد که بین هوش معنوی و مولفه های آن (بعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی، خود آگاهی و عشق و علاقه) با باورهای دینی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد، که در این راستا تحقیقات (۲۰۰۱)، پناهی (۱۳۹۴)، مداحی و جواهری (۱۳۸۸)، پیچن و همکاران (۲۰۰۷) و ساروگلو (۲۰۰۶) با نتیجه حاضرهمخوانی دارد و بیان می کنند که مولفه های هوش معنوی با باورهای دینی رابطه مستقیم دارند.

در تبیین این نتیجه می توان گفت هوش معنوی باعث می شود تا فعالیت های معمول زندگی با حضور قلب و درک ارزش و معنای زندگی همراه باشد، هوش معنوی باعث می شود حس تقدس در افراد شکل بگیرد. در این صورت کارکنان کمتر به فکر مادیات هستند و به این نکته می اندیشند که ورای دنیای مادی، معنویات نیز می

تواند به آن‌ها کمک کند. در نتیجه، تحمل آن‌ها زیادتر می‌شود و بیشتر از وظایف خود کار می‌کنند. هوش معنوی کارکنان را وادار می‌کند به پرسش‌های اساسی مانند زندگی پس از مرگ، هماهنگی با قدرت برتر و جست‌وجوی معنا در زندگی فکر کنند. تفکر در مورد این پرسش‌ها می‌تواند چشم‌اندازی مشترک بین دانشجویان ایجاد کند و ک دانشجویان تنها فکر پاداش مادی در سازمان نباشند و افرادی متعهد و بردبار باشند. زمانی که ک دانشجویان فعالیت‌های روزمره را با حسی از امر مقدس درک کنند، در انجام وظایف سازمانی خدا را در نظر گرفته، درستی، صداقت و وجدان کاری دارند. هر چه بعد خودآگاهی، عشق و علاقه تقویت شود، امید و علاقه به زندگی و کار در بین کارکنان گسترش می‌یابد، این بعد هوش معنوی تأثیر بیش‌تری بر ابعاد وظیفه‌شناسی و نوع دوستی می‌گذارد، به این دلیل که، امید و علاقه به کار زندگی در بین دانشجویان بیش از گذشته می‌شود. بنابراین این باعث می‌شود باورهای دینی نیز تقویت شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود: آموزش و پرورش مهمترین نهاد اجتماعی برآمده از متن جامعه و در عین حال سازنده و تکامل‌دهنده‌ی آن است و تأثیر آن در پیشرفت جامعه امری کاملاً محسوس است از این رو پیشنهاد می‌شود برای این که این سازمان آموزشی بتواند کودکان و نوجوانان و جوانان متفکر، خلاق و نوآوری را به جامعه تحویل دهد، مسؤولان سازمان آموزش و پرورش می‌بایست بیش از پیش به تعهد کاری و باورهای دینی معلمان توجه کرده باشد.

آموزش و انتقال صحیح مفاهیم دینی و تعمیق باورهای دینی از جانب معلمان و مدیران به کودکان و نوجوانان یکی از موضوعات و مباحث مهم در نظام آموزش و پرورش است. جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، تمام اعمال و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی‌اش متأثر از دین اسلام است. به همین دلیل تمام دستگاه‌های آموزش دهنده باید تلاش خود را در جهت همسو نمودن با فلسفه‌ی زیربنایی اسلام برنامه‌ریزی کنند، در صورتی که کوتاهی در انتقال مفاهیم و باورهای دینی به نسل کودکان و نوجوانان صورت گیرد و تنها به آموزش صرف در مدارس بسنده شود در آینده جوانان متعهد و مذهبی کمتر شده و نسل آینده‌ای بدون تعصب و بینش صحیح نسبت به فرهنگ اسلامی خواهیم داشت.

منابع

- پناهی، علی احمد. (۱۳۹۴). «نقش نماز در آرامش روان». روان‌شناسی و دین، (۱)، ۲۱.
- خدایاری فرد، م؛ فقیهی، ع؛ غباری بناب، ب؛ شکوهی یکتا، م و رحیمی‌نژاد، ع (۱۳۹۱). مقیاس‌های دینداری تهران، انتشارات آوای نور، چاپ اول.
- تهمایی، حسین ابوالحسن؛ خرمی، شمسی. (۱۳۹۴). « بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی براساس نظریه و روش گافمن»، مطالعه موردی کرمانشاه، پژوهش اجتماعی، ۳(۶)، ۱۹-۴۱.
- خداپناهی، محمدکریم؛ خوانین زاده، مرجان. (۱۳۸۹). « بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان. روانشناسی»، ۴(۲)، ۱۸۵-۲۰۴.
- خطیب زنجانی، نازیلا؛ فرج‌اللهی، مهران. (۱۳۹۱). « عوامل مؤثر در اشاعه مفاهیم و باورهای دینی بین دانش‌آموزان (دوره راهنمایی و متوسطه منطقه ۲ تهران) ». روان‌شناسی تربیتی، ۸(۲۵)، ۱-۱۷.
- حاجی آقاجانی، سعید؛ نوقانی، احمد علی. (۱۳۸۷). روان پرستاری بهداشت روان. تهران، جلد اول.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمدحسین؛ حبیبی پور، حمید. (۱۳۹۲). « باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان ». روانشناسی تحولی، ۲۲(۲)، ۹۷-۱۰۷.
- رجایی، علی (۱۳۹۱). « هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها ». پژوهشنامه تربیتی، ۱۵: ۱-۱۹.
- رحمانی، مدنه (۱۳۹۱). « بررسی رابطه باورهای مذهبی، هوش معنوی و امید و مسئولیت‌پذیری ». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی، گروه روانشناسی.

- عابدی، یاسمین و برات دستجردی، نگین (۱۳۹۳). «رابطه دینداری و هوش معنوی و تاثیر آنها بر عملکرد تحصیلی دانشجویان»، رویکردهای نوین آموزشی (۱) ۳۷-۵۲
- سادات، محمد علی. (۱۳۸۶). *اخلاق اسلامی*. چاپ ششم، تهران: سمت.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۴). *رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش های اکتشافی*. تهران: قدیانی.
- مداحی، حجت؛ جواهری، محمدحسین. (۱۳۸۸). «مقایسه سلامت عمومی حافظان قرآن و غیر حافظان. روانشناسی و دین». (۱)۲، ۱۰۹.
- هادیان فرد، حبیب. (۱۳۸۴). «احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت های مذهبی در گروهی از مسلمانان. روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)»، (۱۱)، ۲۲۴-۲۳۲.
- یعقوبیان، محمد؛ یعقوبی، طاهره؛ روانبخش، اکبر. (۱۳۸۹). «نقش اعتقادات مذهبی در پیشگیری از اختلالات روانی. همایش سراسری اصول پیشگیری در پرستاری-مامایی»؛ ۱۷ و ۱۷ خردادماه، ساری، ۲۲.
- Amram, Y & Dryer, C. (۲۰۰۷). *The Development and Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)*. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology working Paper. Available on www.geocities.com/isisfindings/
- Clartk, R. (۲۰۰۴). *Religiousness, spirituality and IQ: Are they linked*. Exploration: An Undergraduate Research Journal, ۳, ۳۵-۴۷.
- Keyes, C. L. M. (۲۰۰۵). *Social functioning and social well-being: studies of the social nature of personal wellness*. Submitted to graduate of university of wisconsin-madison in partial fulfilment of the requirement for the degree of the doctor of philosophy in psychology.
- Khoshtinat, V. (۲۰۱۲). *A review on relationship between religion, spirituality, spiritual transcendent, spiritual intelligence with religious coping*. International Research Journal of Applied and Basic Sciences. ۳(۹), ۱۹۱۶-۱۹۳۴.
- Nasel, D. D. (۲۰۰۴). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A Consideration of Traditional Christianity and New Age/Individualistic Spirituality*, Unpublished Thesis, Australia: The University of South Australia.
- Pichon, I., Boccato, G., & Saroglou, V. (۲۰۰۷). *Nonconscious influences of religion on prosociality: A priming study*. European Journal of Social Psychology, ۳۷: ۱۰۳۲-۱۰۴۵.
- Saroglou, V. (۲۰۰۶). *Religion's role in prosocial behaviour: Myth or reality?* American Psychological Association Psychology of Religion Newsletter, ۳۱(۲): ۲-۹.
- Sisk, D.A. & Torrance, E. P. (۲۰۰۱). *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- Vaughan, F (۲۰۰۲). *What is Spiritual intelligence?* Journal of Humanistic Psychology, ۴۲(۲), ۱۶-۳۳.
- Wolman, R. N. (۲۰۰۱). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York: Harmony Books
- Zohar, D. & Marshall, I. (۲۰۰۰). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsburg.

